

تعریف پیشرفت و راه‌های رسیدن به آن از دیدگاه مقام معظم رهبری «آیت‌الله خامنه‌ای» بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

روح اله تیموری*^۱
حسن عبدالله زاده^۲
محمد کاظم کاوه پیشقدم^۳

چکیده:

مقوله توسعه و عقب افتادن ایران از قطار پیشرفت جهانی در طی صد و پنجاه سال اخیر مورد بحث و بررسی بوده است. از زمان اولین شکست ایران از روسیه تزاری ایرانی‌ها از خود پرسیدند چرا عقب افتادیم و تا امروزه هم این سوال را از خود می‌پرسند. حتی می‌توان گفت انقلاب اسلامی هم به نوعی در پاسخ به مقوله عقب ماندگی ایران شکل گرفت. بعد از پیروزی انقلاب هم به نوعی مقوله پیشرفت و توسعه در اولویت دولت‌ها و اندیشه ورزان نظام جمهوری بوده است. در این بین مقام معظم رهبری بارها روی مسئله پیشرفت تاکید داشته به طوری که الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت را مطرح نمودند. در این پژوهش نگارندگان به دنبال پاسخ به این سوال هستند که توسعه از دیدگاه مقام معظم رهبری چه بار مفهومی دارد و چگونه می‌توان به پیشرفت رسید؟ در پاسخ به سوال تحقیق فرضیه پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود؛ از دیدگاه رهبری باید بجای توسعه - که بار معنای خاصی دارد- از مقوله پیشرفت استفاده کنیم و برای رسیدن به پیشرفت باید یک الگوی مناسب و بومی با توجه به الگوی اسلامی و ایرانی طراحی کنیم. نگارندگان سعی می‌کنند با کمک رویکرد گفتمان لاکلاو و موفه به بررسی جایگاه پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری بپردازند.

کلید واژه‌ها: پیشرفت، مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی، گفتمان

۱. هیات علمی دانشگاه پیام نور، گروه علوم سیاسی، ایران، (نویسنده مسوول)

rtteymoori@gmail.com

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم سیاسی، شیراز، دانشجوی دکتری

basijasatidefars@chmail.ir

۳. دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم سیاسی، شیراز، استادیار

pishghadam@iaushiraz.ac.ir

۱- بیان مسئله:

با شکست ایران از روسیه، عباس میرزا ولیعهد فرمانده قشون ایران دست به دامان فرانسوی‌ها شد. زمانی که هیات فرانسوی به سرپرستی ژنرال گاردان به ایران آمدند؛ دیالوگی بین عباس میرزا ولیعهد و ژوبر فرانسوی رخ داد که این دیالوگ در تاریخ معاصر ایران ماندگار شد و برای ورود به بحث بسیار می‌تواند کمک کند « مردم به کارهای من افتخار می‌کنند ولی چون من از ضعفی من بی‌خبرند چه کرده‌ام که قدر و قدرت جنگجویان مغرب زمین را داشته باشم؟ یا چه شهری را تسخیر کرده‌ام و چه انتقامی توانسته‌ام از تاراج ایالات خود بکشم؟ از شهرت و فتوحات قشون فرانسه دانستم که رشادت قشون روسیه در برابر آنان هیچ است مع الوصف تمام قوای مرا یک مشت اروپایی سرگرم داشته و مانع پیشرفت کار من می‌شوند. نمی‌دانم این قدرتی که شما اروپایی‌ها را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و به کار بردن قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شغب غوطه‌ور و به ندرت آتیه را در نظر می‌گیریم. مگر جمعیت و حاصل خیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می‌تابد تاثیرات مفیدش در سر ما کمتر از سر شماست؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی‌کنم. اجنبی حرف بزن! بگو من چگونه باید ایرانیان را هوشیار کنم؟ » (حائری، ۱۳۹۴: ۳۰۸). در واقع این سوال عباس میرزا را بارها روشن‌فکران و سیاستمداران و دانشگاهیان از خود پرسیده‌اند. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی هم هر کدام دولت‌ها به نوعی به دنبال پاسخ به این سوال بودند. نگارندگان اعتقاد دارند علی‌رغم برداشت‌های مختلفی که نسبت به مقوله توسعه شده، دو نوع نگاه کلی نسبت به بقیه پررنگ‌تر است. یک نگاه اعتقاد دارد باید با دنیا تعامل کرد و سهم خود را در نظام جهانی پیدا کرد. این دیدگاه تعامل با نظام جهانی را مغایر با ارزش‌های انقلاب نمی‌داند. می‌توان گفت برداشت دولت‌های هاشمی و خاتمی در این مقوله می‌گنجد و می‌توان گفت دولت تدبیر و امید هم در این مسیر در حال حرکت است و کاملاً مسئله‌برجام از این بعد قابل بررسی است. نگاه دیگر اعتقاد دارد با توجه به اینکه ضروری است که از دستاوردهای دنیا استفاده کنیم ولی راه توسعه بیشتر درونی است و حتی الامکان باید از ارتباط با دنیا دوری کرد. گفتمان اقتصاد مقاومتی با کلید واژه تولید ملی در این چارچوب می‌گنجد. و می‌توان گفت در این مقوله نگاه به اندیشه‌های رهبری کاملاً حائز اهمیت است. در همین راستا در این پژوهش نگارندگان به دنبال پاسخ به این سوال هستند که توسعه از دیدگاه مقام معظم رهبری چه بار مفهومی دارد و چگونه می‌توان به پیشرفت رسید؟ در پاسخ به سوال تحقیق فرضیه پژوهش اینگونه مطرح می‌شود از دیدگاه رهبری باید به جای توسعه که بار معنای خاصی دارد از مقوله پیشرفت استفاده کنیم و برای رسیدن به پیشرفت باید یک الگوی مناسب و بومی با توجه به الگوی اسلامی و ایرانی طراحی کنیم.

در این پژوهش نگارندگان به دنبال این هدف هستند که با بررسی فرمایشات مقام معظم رهبری

یک الگوی نظری بر اساس نظریه گفتمان طراحی کنند و شاخص‌های اساسی پیشرفت را از دیدگاه ایشان طراحی کنند. تا بتوان قدمی کوچک در راه الگوی توسعه کشور برداشت تا راه‌گشای پژوهش‌های بعدی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد.

در این پژوهش ابتدا سعی شده است چارچوب نظری بررسی گردد، سپس با بررسی تاریخی در زمینه توسعه در نهایت به بررسی توسعه بر اساس نظریه گفتمان از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته شود.

۲- چارچوب نظری:

نظریه گفتمان ریشه در زبان‌شناسی دارد. که باید از شخصی به نام دوسوسور نام ببریم. از دیدگاه دوسوسور کلمات به تنهایی دارای بار معنایی و مفهومی نیستند. بلکه در ارتباط با یکدیگر هستند که دارای معنا و مفهوم می‌شوند. به عنوان مثال میز و صندلی دارای بار مفهومی نیستند. ولی در ارتباط با گچ، تخته، معلم و دانش آموز دارای معنا می‌شوند و کلاس را تشکیل می‌دهند. یا چراغ سبز و قرمز و زرد دارای بار و مفهوم نیستند. بلکه در چارچوب چراغ راهنمایی معنا و مفهوم می‌یابند. گفتمان هم این اعتقاد را دارد که در ارتباط با هم است که می‌توان به معنا و مفهوم رسید. به عبارت دیگر تنها از طریق گفتمان است که می‌توان جهان را فهمید. ارنست لاکلاو و شنتال موفه گفتمان را وارد مباحث علوم سیاسی و اجتماعی کردند و اعتقاد داشتند هر عملی برای معنادار شدن باید حتما در چارچوب یک گفتمان قرار گیرد.

از نظر لاکلاو و موفه نیز هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید گفتمانی باشد. به عبارت دیگر فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۲).

از دیدگاه لاکلاو و موفه هر گفتمان دارای عناصری است که عبارتند از:

۲-۱- **مفصل بندی:** هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار کند. به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود، مفصل بندی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر ارتباط عناصر مختلف کنار هم که به آن‌ها هویت می‌دهد مفصل بندی می‌گویند. به طور مثال گفتمان لیبرالیسم مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، آزادی فردی و عقل‌گرایی را با هم مفصل بندی می‌کنند (حسینی زاده و حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

۲-۲- **دال مرکزی:** هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. دال مرکزی نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند. نیروی جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند و سامان می‌دهد (پیشین).

۲-۳- **هژمونیک:** هویتی که در یک گفتمان دارای هژمون و استیلا می‌باید. در برابر هویت‌ها و گفتمان‌های دیگر، رفتار استیلاجویانه اغلب شامل به کارگیری قدرت است، زیرا طی آن یک پروژه

سیاسی می‌کوشد تا خواسته خود را بر دیگران تحمیل نمایند (پیشین).

۲-۴- **دال‌های شناور:** دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به شیوه خاص خود به آن معنا ببخشند (پیشین، ۱۰۹).

۲-۵- **قابلیت دسترسی:** گفتمان بتواند نظمی را در شرایط بی نظمی معرفی کند. بنابراین پیروزی این گفتمان محصول قابلیت دسترسی آن است. یعنی در دسترس بودن در زمینه و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده بود (پیشین، ۱۱۰).

۲-۶- **قابلیت اعتبار:** پذیرش یک گفتمان شرط دیگری نیز دارد و آن قابلیت اعتبار است. یعنی اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی آن گروه اجتماعی ناسازگار باشد (پیشین).

۲-۷- **عناصر:** نشانه‌هایی هستند که معنای آن‌ها تثبیت نشده اند و گفتمان‌های مختلف سعی در معنادگی به آن‌ها را دارند. عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته اند (پیشین، ۱۱۲).

۲-۸- **وقته‌ها:** وقته‌ها عبارت است از موقعیت و عناصری که در درون یک گفتمان مفصل بندی شده اند و به هویت و معنایی موقت دست یافته اند. نشانه‌هایی که حول دال مرکزی مفصل بندی می‌شوند وقته می‌نامند. وقته‌ها قبل از آنکه در یک گفتمان مفصل بندی شوند در حوزه گفتمانی قرار دارند و عنصر نامیده می‌شوند (پیشین، ۱۱۲).

۲-۹- **زنجیره هم ارزی:** گفتمان‌ها از طریق زنجیر هم‌ارزی تفاوت‌ها را می‌پوشند. در هم ارزی عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند منحل می‌شوند (پیشین، ۱۱۲).

۲-۱۰- **از جا شدگی:** از جاشدگی‌ها یا بی‌قراری‌ها حوادثی هستند که حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر در جامعه‌اند. از جاشدگی تمایل به فروپاشی نظم و به هم ریختن گفتمان موجود دارد و جامعه را به سمت بحران می‌راند. آن‌ها در دنیای جدید تأثیری دو سوپه دارند از یک سو هویت‌های موجود را تهدید می‌کنند و از سوی دیگر مبنایی هستند که هویت‌های جدید بر اساس آنها شکل می‌گیرد.

از جا شدگی امکان ظهور سوژه‌ها و مفصل بندی‌های جدید را فراهم می‌کند. بنابراین همواره ویژگی از جا شدگی وجود خواهد داشت. زیرا هیچ گفتمانی کاملاً تثبیت نمی‌شود. از جاشدگی زمانی اتفاق می‌افتد که گفتمان‌ها شروع به واگرایی می‌کنند. واگرایی گفتمان‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که آشوب اجتماعی یا اقتصادی فراگیری حاصل شود و با چنین آشوب‌هایی موجب شوند تا سوژه‌ها احساس بحران هویت نمایند. در چنین شرایطی سوژه‌ها تلاش می‌نمایند تا از طریق مفصل بندی جدید و تعیین هویت با گفتمانی متفاوت، هویت و معانی اجتماعی خود را بازسازی نمایند (پیشین، ۱۱۴).

۲-۱۱- **ضدیت یا خصومت:** گفتمان‌ها در شرایط خصومت هستند که هویت می‌یابند. در واقع رابطه خصمانه برای تاسیس مرزهای سیاسی امری حیاتی محسوب می‌شود. اهمیت مفهوم خصومت یا ضدیت

در آن است که هر چند در ارتباط با غیر هویت می‌باید. چرا که اشیا دارای ذات و هویت ثابتی نیستند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند هویت می‌یابد. همچنین خصومت گفتمان‌ها را تهدید می‌کند و مانع عینیت و تثبیت گفتمان‌ها و هویت‌هاست. هویت‌ها همواره در معرض نفی و طرد توسط غیر قرار داشته و هیچ گاه تثبیت نمی‌شوند. فرد به حسب موقعیت‌های مختلفی که گفتمان‌ها برای او ایجاد می‌کنند ممکن است هویت‌های مختلف به خود بگیرند. (پیشین، ۱۱۷)

۳- بررسی تاریخی اصلاحات در ایران:

می‌توان گفت در زمان صفویان ایران و اروپا در یک سطح واحد بودند. و اختلاف زیادی بین ایران و کشورهای اروپایی دیده نمی‌شد. ولی اروپا دچار رنسانس و انقلاب صنعتی شد. و ایران درگیر ناامنی بین جابجایی قدرت بین صفویان، افشاریان، زندیان و قاجارها بود. به طوری که زمانی که آقا محمد خان در تهران تاج‌گذاری کرد و سلسله قاجاریه را تاسیس کرد ایران کاملاً از غرب افتاده بود ولی این عقب ماندگی دیده نمی‌شد. تا زمانی که جنگ‌های ایران و روسیه شروع شد و ایران علی‌رغم رشادت‌های سربازانش از روس‌ها شکست خورد، اولین تلنگر در ذهن ایرانی‌ها ایجاد شد و این ترک فکری در ذهن عباس میرزای ولیعهد رخ داد. که تغییراتی در عرصه نظامی در کشور ایجاد کند. بنابراین اولین اصلاح طلبان از درون خود قاجاریه بودند. بعد از عباس میرزا، میرزا تقی خان فراهانی صدر اعظم مقتدر ناصرالدین شاه چرخه حرکت توسعه کشور را بدست گرفت و اصلاحاتی بسی گسترده تر نسبت به عباس میرزا انجام داد، زیرا اصلاحات عباس میرزا بیشتر در عرصه نظامی بود ولی اصلاحات امیرکبیر اکثر زمینه‌ها را شامل می‌شد. ولی دولت‌های خارجی، شاهزادگان و مادر شاه همه دست به دست هم دادند تا امیر کبیر از قدرت عزل و سپس در حمام فین کاشان رگ اصلاحات زده شود. بعد از امیر کبیر میرزا حسین خان سپهسالار سعی کرد ناصرالدین شاه را به اروپا تشویق کند زیرا اعتقاد داشت اگر شاه پیشرفت اروپا را ببیند به عقب ماندگی ایران پی می‌برد. در همین راستا قدم‌هایی در راه توسعه برمی‌دارد.

در سال ۱۲۹۰ه. ق، سپهسالار ناصرالدین شاه را به فرنگ برد و وی را با ترقیات صنعتی و طبیعی غرب آشنا کرد در حقیقت هدف سپهسالار از بردن شاه به این سفر آن بود که وی با دیدن ترقیات فرنگیان به اصلاح و ترقی مملکت ایران برخیزد (آدمیت، ۱۳۵۸: ۲۵۹). بعد از به بن بست رسیدن اصلاحات درون حکومتی و ناکامی در توسعه و نوسازی جامعه ورود اندیشه‌های جدید به ایران زمینه ساز انقلاب مشروطه و جنبشی تقریباً از پایین بود. که رساله یک کلمه مستشارالدوله یا حکومت قانون میرزا ملکم خان در همین راستا بود. ولی هم هجوم خارجی؛ هم استبداد محمد علی شاهی و هم مشکلات داخلی باعث ناامنی‌هایی در داخل کشور شد که از دل آن رضاخان به عنوان یک منجی بیرون آمد و اصلاحات از بالا رضاخان شروع شد. هر چند رضاشاه دست به اقدامات زیادی در تغییر چهره ایران زد و تا حد زیادی چهره سنتی ایران را تغییر داد. ولی نکته اساسی این است که اصلاحات باید از

درون جامعه باشد تا ماندگار باشد و بتواند اثر ماندگار بگذارد در غیر این صورت نمی‌تواند تاثیر بلندمدت بگذارد و رضاخان چهره جامعه را تغییر داد ولی نتوانست فکر توسعه را در جامعه جای دهد. حتی عده‌ای همین تغییر چهره ایران را در راستای سیاست‌های انگلیس می‌دانند: اصلاحات صورت گرفته در دوره رضاخان کاملا سیاسی بود. او به منظور تحکیم پایه‌های قدرت و اقتدار که سیاست جدید انگلیس طالب آن بود به منابع مالی نیاز داشت. از سویی چون سیاست کهنه این دول استعماری مبنی بر تفرقه بینداز و حکومت کن تغییر کرده بود و انگلیس به این نتیجه رسیده بود که به جای حمایت از حکام در هر منطقه، دولتی مقتدر و کاملا دست نشانده ایجاد کند. دولت رضاشاه به تقویت بنیه‌های اقتصادی اقدام کرد که به وجود آمدن مراکز صنعتی و به طور کلی مدرنیزاسیون پاسخی به این نیاز دولت بود تا با در اختیار داشتن منابع مالی کافی هم بتواند ارتش را برای تحقق این هدف تجدید قوا کند و هم مراکز اداری و دستگاه‌های دولتی را گسترش دهد (آهنگران، ۱۳۸۷: ۱۱ تا ۲۶). بعد از رفتن رضاشاه تا زمان تثبیت پهلوی دوم ملی شدن صنعت نفت را هم می‌توان در چارچوب اصلاحات قرار داد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و علی‌الخصوص در دهه ۴۰ به بعد قدرت شاه تثبیت می‌شود. و شاه با تکیه بر درآمد نفت دولت رانتیر را راه می‌اندازد و با کمک درآمد نفت سعی در تغییر چهره ایران و حرکت کشور به سمت توسعه را شروع می‌کند. اصلاحات ارضی و انقلاب سفید یا همان انقلاب شاه و مردم در همین مقوله قرار می‌گیرد. اما باید گفت که دو عامل باعث شکست توسعه شاه و در نهایت انقلاب اسلامی می‌شود. یکی اینکه شاه در زمینه فضای باز سیاسی و توسعه سیاسی اقدامی نکرد و دیگری این که تغییرات فرهنگی او در تعارض با بعضی از ارزش‌های جامعه داشت که در نتیجه واکنش جامعه را در برداشت و انقلاب اسلامی شکل گرفت. بعد از انقلاب هم هر کدام از دولت‌ها و متفکرین موثر بر انقلاب اسلامی در زمینه توسعه گفتمان‌هایی را مطرح کردند. که از نظر نگارندگان دو گفتمان چهره بارزتری داشتند. یک گفتمان بر این عقیده است که ما باید مشکلات خود را با نظام بین الملل حل کنیم و بتوانیم در ساختار نظام بین الملل بازیگر موثری باشیم. گفتمان دولت هاشمی و خاتمی در این مقوله تا حد زیادی قرار می‌گیرد. در واقع دکتر سریع القلم که به نوعی مشاور بین الملل دولت آقای روحانی است و در شکل‌گیری گفتمان سیاست خارجی دولت تدبیر و امید بی تاثیر نیست این‌گونه می‌آورد که: توسعه یافتگی در ایران بدون همکاری بین المللی ناممکن است. همچنین حل و فصل نشدن تعارض‌های فلسفی و سیاسی ایران با مجموعه غرب روند توسعه یافتگی را به تاخیر می‌اندازد (سریع القلم، ۱۳۹۲، برگرفته از وب سایت ایشان). یا در جای دیگر نخست اینکه هیچ کشوری را پیدا نمی‌کنید که توسعه پیدا کرده ولی دایره آن عملکرد بین المللی نبوده است. هر کشوری که توسعه پیدا کرده ارتباطات گسترده بین المللی داشته است (سریع القلم، با مصاحبه با مهرنامه برگرفته از وب سایت ایشان).

و گفتمان دوم بر این اعتقاد قرار می‌گیرد در کنار تعامل بر جهان باید بیشتر تکیه بر نیروی درون داشته باشیم و بر منابع داخلی خود تکیه کنیم و با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگی کشور

خودمان راه توسعه را پیدا کنیم. که دیدگاه‌های مقام معظم رهبری هم در این راستا قرار می‌گیرد. اما ذکر این نکته ضروری است. در گفتمان نوع اول بر پتانسیل درونی تاکید می‌شود ولی با این تذکر که بیشتر نگاه آن‌ها بیرونی است.

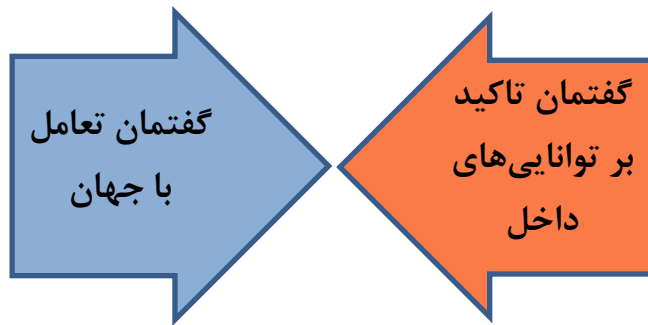
۴- راه‌های رسیدن به پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری:

۴-۱- تعریف پیشرفت:

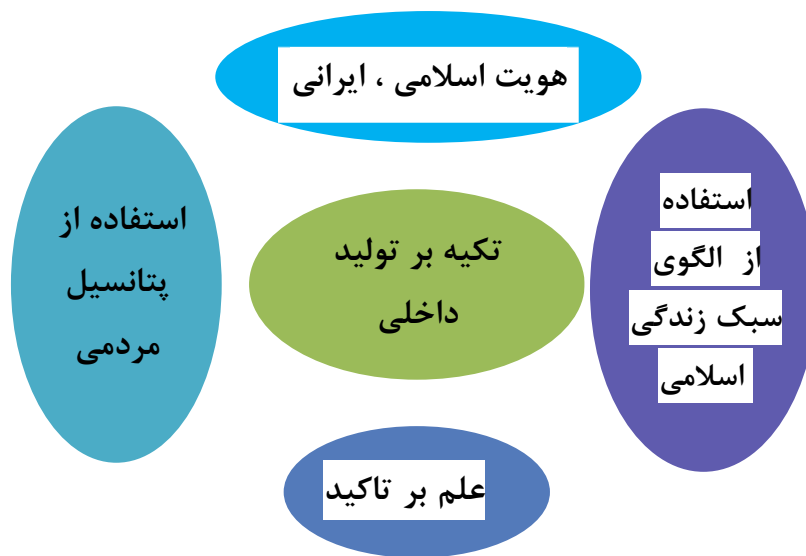
اگر ما به تمام نوشته‌های مقام معظم رهبری رجوع کنیم حتی یک بار ایشان از کلمه توسعه استفاده نمی‌کنند. بلکه اعتقاد دارند این واژه بار معنایی خاصی دارد. که همان الگوی غربی است. لذا این واژه از طرف ما مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. ما باید به جای آن از واژه پیشرفت استفاده کنیم. وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهان بینی بین‌المللی عرف رایج است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم. با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود وجوه مشترکی داشته باشد- که حتما دارد- اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد. که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایبستی اشتباه بشود. آن‌چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی- با همان مختصات و با همان شاخص‌ها- نیست. و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه نیافته یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی با همه خصوصیاتش؛ فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت گیری سیاسی‌اش. این توسعه یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است، توسعه نیافته یعنی کشوری غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غرب تشویق کشورها به توسعه، تشویق به غربی شدن است. ما مجموعه‌ی غربی شدن یا توسعه یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است (بیانات، ۲۷/ ۸۸/۲). در جای دیگر در همین زمینه اینگونه می‌فرمایند: اولاً کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم، تعمداً نخواستیم کلمه‌ی توسعه را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه یک بار ارزشی و معنایی دارد، التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده‌ی متعارف جهانی که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه‌ی کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است مطرح و عرضه می‌کنیم. این مفهوم عبارت است از پیشرفت. معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم. می‌دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهد کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است (بیانات ۱۰/ ۸۸/۹).

۴-۲- ابزارهای پیشرفت با رویکرد گفتمان:

در این گفتمان تاکید بر تولید داخلی دال مرکزی قرار می‌گیرد. و بقیه دال‌ها در اطراف این دال مرکزی قرار می‌گیرند. بر اساس آن دارای هویت و معنا می‌شوند. و این دال مرکزی باعث هویت بخشی به آن‌ها می‌شود. بنابراین می‌توان مدل زیر را طراحی کرد و بر اساس آن حرکت کرد. در این مدل چهار فاکتور اصلی در اطراف دال مرکزی قرار می‌گیرند. که این چهار دال عبارت است از استفاده از هویت اسلامی، ایرانی، تاکید و استفاده از علم و استفاده از نیروی مردمی و استفاده از الگوی سبک زندگی اسلامی است. در واقع نیروی داخلی و تاکید بر آن اصلی‌ترین عامل هویت بخش در این گفتمان است و اعتقاد دارد راه حل پیشرفت فقط و فقط با تکیه بر نیروهای داخلی صورت می‌گیرد. اگر بخواهیم برای این گفتمان، گفتمان رقیبی تعریف کنیم باید بگوییم که گفتمانی است که اعتقاد دارد باید با جهان تعامل کنیم و به ساختارهای نظام بین الملل بپیوندیم تا بتوانیم با کمک تکنولوژی کشورهای صنعتی راه پیشرفت را پیدا کنیم. در واقع این گفتمان رقیب باعث هویت بخشی به گفتمان تاکید بر نیروی داخلی قرار می‌گیرد و باعث هویت بخشی به او می‌شود، تا مرزهای خود را با گفتمان رقیب مشخص کند. در واقع از نظر گفتمان تعامل با جهان راه پیشرفت تا حد زیادی با تعامل با نظام بین الملل صورت می‌گیرد. که این گفتمان کاملاً در تعارض و تخصص با گفتمان تاکید بر نیروهای داخلی قرار می‌گیرد. که رهبر انقلاب در مورد این دو گفتمان اینگونه می‌آورد: یک دیدگاه در کشور معتقد است که پیشرفت و رونق اقتصادی را باید با استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های درونی کشور که تا به حال کمتر به آن‌ها توجه شده و یا اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، تأمین کرد. رهبر انقلاب افزودند: دیدگاه دوم در نقطه‌ی مقابل، معتقد است رونق و پیشرفت اقتصادی با نگاه به بیرون از مرزها امکان‌پذیر است، بنابراین باید سیاست خارجی را تغییر دهیم و با مستکبر کنار بیاوریم و زورگویی‌های او را بپذیریم تا مشکلات اقتصادی حل شوند! حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تاکید کردند: این نگاه دوم، کاملاً غلط، عقیم و بی‌فایده است (بیانات ۹۴/۱/۱). که از نظر رهبر انقلاب دیدگاه دوم کاملاً غلط است: تحریم‌های کنونی غرب بر ضد ملت ایران، دلیل روشنی بر غلط بودن دیدگاه رونق اقتصادی با نگاه به بیرون است، زیرا قدرت‌های خارجی به هیچ حدی از تحمیل و زورگویی قانع نیستند، ضمن آنکه برخی از مسائل ناگهانی و غیر قابل انتظار همچون طراحی برای کاهش قیمت جهانی نفت و ضربه زدن به اقتصاد کشور را نیز ایجاد می‌کنند (بیانات ۹۴/۱/۱).



نمودار- ۱ تقابل دو گفتمان پیشرفت بعد از انقلاب در بین متفکرین و اندیشمندان



نمودار ۲- دال های اصلی ابزارهای رسیدن به پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری

۵- دال‌های اصلی ابزارهای رسیدن به پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری

۵-۱- تکیه بر تولید داخلی:

از دیدگاه مقام معظم رهبری تنها راه توسعه کشور تنها و تنها با تکیه بر تولید و پتانسیل داخلی صورت می‌گیرد. رهبر انقلاب در این چند سال اخیر گفتمان اقتصاد مقاومتی را به عنوان تنها راه پیشرفت کشور مطرح کرد. که شاکله اصلی گفتمان اقتصاد مقاومتی تکیه بر نیروی داخلی و تولید ملی است. مهم‌ترین هدفی که امسال باید مورد توجه مسئولان و مردم قرار بگیرد، اهتمام ویژه برای تقویت تولید داخلی است (بیانات ۹۴/۱/۱). ایشان هم در زمینه ارتقاء تولید ملی این‌گونه می‌آورند که: حمایت از بنگاه‌های متوسط و کوچک، تقویت فعالیت بنگاه‌های دانش‌بنیان، ایجاد نهضت کاهش خام‌فروشی، تسهیل سرمایه‌گذاری، کاهش واردات کالاهای مصرفی و مبارزه با قاچاق، راه‌های حمایت از تولید داخلی است که البته بانک‌ها می‌توانند در این خصوص، هم نقش حمایتی داشته باشند و هم نقش تخریبی؛ لذا مسئولان ارشد بانکی کشور باید به این موضوع توجه ویژه داشته باشند (بیانات ۹۴/۱/۱). بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری تاکید و تقویت تولید داخلی باعث می‌شود بسیاری از مشکلات کشور حل شود. بیکاری رفع شود و کشور به سمت پیشرفت حرکت کند.

۵-۲- تاکید بر علم:

از دیدگاه رهبر انقلاب برای رسیدن به پیشرفت باید در مسیر علم حرکت کرد. و علم است که می‌تواند کشور را به قله‌های ترقی برساند و اگر آمریکا و بقیه کشورهای سلطه‌گر به پیشرفت و ترقی برسند و بر کشورهای دیگر مسلط بشوند به خاطر تسلط بر علم و تکنولوژی بوده است: رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. دنیای غرب ثروتش از ناحیه‌ی علم است، اقتدارش از ناحیه‌ی علم است. زورگوئی که امروز می‌کند، به خاطر علمی است که دارد. پول فی نفسه اقتدار نمی‌آورد. آنی که اقتدار می‌آورد علم است. امروز اگر آمریکا پیشرفتی علمی خودش را نمی‌داشت، نمی‌توانست در دنیا اینجور زورگوئی بکند. و در همه‌ی مسائل عالم دخالت بکند. ثروت هم اگر بدست می‌آورد، از ناحیه علم بدست می‌آید. علم را اهمیت بدهید. این که من سال‌هاست روی مسئله علم تحقیق، پژوهش، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می‌کنم، به خاطر این است بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست. دانش اقتدار می‌آورد (بیانات ۸۸/۱/۶).

۵-۳- استفاده از هویت اسلامی و ایرانی:

از دیدگاه مقام معظم رهبری برای رسیدن به پیشرفت باید طبق فرهنگ و ویژگی‌های کشور خودمان حرکت کنیم و در این بین استفاده از دو مقوله اسلام و ایران کاملاً ضروری است. «...می‌توانیم با توجه دو هویت اسلامی و ایرانی بودن خود الگوی پیشرفت خود را پیدا کنیم. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان مردم یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است (بیانات ۸۳/۳/۲۷)». ایشان با توجه به اهمیت منابع اسلامی در مقوله

پیشرفت این گونه می‌فرمایند: «... به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم، و افتخار ما این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد. قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد (بیانات ۸۸/۹/۱۰)». در جای دیگر ایشان در مورد اهمیت بعد ایرانی‌گری در مقوله پیشرفت می‌آورند که: «... خوب، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تاثیر می‌گذارد- که قطعاً این‌ها درست است- این نکته هم است. که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند، این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی، یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم ما می‌خواهیم آنچه خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین این الگو ایرانی است (بیانات ۸۸/۹/۱۰)».

البته ذکر این نکته ضروری است که مقام معظم رهبری اعتقاد دارند که باید از دستاوردها و پیشرفت‌های اطراف هم استفاده کرد. اما نکته اساسی این است که نگاه به درون باشد. یعنی اولویت اساسی به توانایی‌های داخل باشد. «... اینکه ما می‌گوئیم ایرانی یا اسلامی مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد. نه ما برای برای بدست آوردن علم هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد معرفت درست وجود دارد. تجربه صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت، منتهی چشم بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت (بیانات ۸۸/۹/۱۰)».

۵-۴- تکیه بر مردم:

یکی از راه‌های اصلی تحقق پیشرفت در کشور از نظر مقام معظم رهبری تاکید اصلی بر مردم است. از نظر ایشان باید مردم به صحنه آورده شوند و از پتانسیل آن‌ها استفاده شود. زیرا انقلاب اسلامی هویتش با مردم گره خورده است و بدون مردم هیچ معنا و مفهومی ندارد. شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است. هم کرامت انسان هم تعیین کننده بودن اراده‌ی انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است. هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمند و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. (۸۰/۳/۱۴). در جای دیگر در همین زمینه این گونه می‌آورد: توسعه باید با مردم گره بخورد، مردم باید محور توسعه باشند (بیانات ۸۲/۵/۱۵).

۶-۵- الگوی سبک زندگی اسلامی:

از نظر مقام معظم رهبری ما مردم جامعه باید تغییری در سبک زندگی خود بدهیم. چون هم سبک زندگی ما اسلامی نیست و هم این سبک با معیارهای پیشرفت جامعه سازگار نیست. و تا این سبک زندگی را تغییر ندهیم نمی‌توانیم گفتمان پیشرفت در کشور داشته باشیم، به عنوان مثال مصرف گرایی

شدید ما ایرانی‌ها یکی از اصلی‌ترین دلایل برای عدم پیشرفت کشور محسوب می‌شود. در همین زمینه در سخنرانی مفصلی که در بین جوانان بجنورد داشتند این مسئله را این‌گونه بیان داشتند:

«باید آسیب‌شناسی کنیم چرا در بخش سبک زندگی پیشرفت نکردیم در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها. البته ما اینجا نمی‌خواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح می‌کنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. باینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از این‌ها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی [مأئده: ۲] و (همواره). در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید»، یا: «و اعتصموا به حبل الله جمیعاً [آل عمران: ۱۰۳] و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت). چنگ زنید، و پراکنده نشوید». یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا». چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخش‌های کشورمان روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟ چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا درزمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به‌طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آن‌ها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می‌کنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه‌ی بخش‌های زندگی، داخل در این مقوله‌ی سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به‌طور کامل راست می‌گوییم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و نابدباری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات می‌شود؟ در اینترنت چقدر مراعات می‌شود؟ چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی چیست؟ چه کنیم که یک بیماری رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ این‌ها جزو مسائل اساسی ماست. حد زادوولد در جامعه‌ی ما

چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زمان دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش می دهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زادوولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ این‌ها بخش‌های گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از این‌هایی که من گفتم، مهم‌تر است. این‌یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل می‌دهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر این‌هاست. نمی‌شود یک تمدن را به‌صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ درحالی‌که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فراگرفته. اصل این‌هاست؛ آن‌ها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. (بیانات ۹۱/۷/۲۳).

جدول ۱ - شاخص‌های توسعه از دیدگاه مقام معظم رهبری.

ردیف	سوالات	نظر مقام معظم رهبری
۱	اساساً چیزی به نام توسعه وجود دارد؟	وجود دارد ولی باید از لفظ پیشرفت استفاده کرد
۲	آیا مفهوم توسعه قواعد ثابتی دارد؟	مفهوم و قواعد ثابتی دارد. اما نه آن چیزی که غرب می‌گوید.
۳	مبنا و منبع مفهومی توسعه؟	کتاب - سنت - دیدگاه‌های امام خمینی (ره).
۴	ماهیت توسعه؟	فرهنگی و اجتماعی است.
۵	روش‌های رسیدن به توسعه یافتگی؟	متکی به خود
۶	مجری توسعه یافتگی؟	دولت و نخبگان و توده‌ها
۷	الگوی توسعه یافتگی	خودمان می‌توانیم الگو باشیم. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت
۸	موانع توسعه یافتگی	غرب

۶- نتیجه گیری:

می‌توان به جرأت گفت که در این صد ساله اخیر در هیچ کشوری به اندازه ما در مورد مقوله توسعه صحبت نشده است. از عباس میرزا بگیر تا برسیم به اصلاحات از بالا رضاخانی تا پیش به سوی تمدن بزرگ محمد رضا شاه، حتی انقلاب اسلامی هم مدعی حرکت کشور به سمت پیشرفت بود. و بعد از انقلاب هم تمام دولت‌ها از توسعه و پیشرفت صحبت کردند. که از دل آن دو گفتمان مطرح شد، یکی تاکید بر پتانسیل و نیرو و تولید داخلی می‌کند و دیگری راه توسعه را در تعامل و پیوستگی به جامعه جهانی می‌داند. رهبر انقلاب کاملاً طرفدار دیدگاه اول است. ایشان بر این اعتقاد است اصلاً واژه توسعه یک واژه غربی است و ما به جای توسعه از کلمه پیشرفت استفاده می‌کنیم. و در مقابل چه کسی گفته است که الگوی توسعه یکی است و آن همان مسیر غرب است. اصلاً ما این راه را قبول نداریم و ما خودمان می‌توانیم با توجه به ویژگی‌های ایرانی و اسلامی راه پیشرفت را خودمان پیدا کنیم. از نظر رهبر انقلاب شاخص اصلی پیشرفت کشور تکیه بر تولید و پتانسیل داخلی است، بنابراین حتماً باید از مردم استفاده کنیم و راه پیشرفت توسط مردم و پتانسیل داخلی و تولید ملی صورت می‌گیرد و باید در این مسیر الگوی سبک زندگی خود را تغییر دهیم. زیرا این نوع سبک زندگی هیچ میانه‌ای با هویت اسلامی و ایرانی ندارد. و مغایر با پیشرفت است. از طرف دیگر پیشرفت حاصل نمی‌شود مگر اینکه به سمت علم حرکت کنیم و اگر امروزه هم آمریکا توانسته در جهان حرف‌هایی بزند با تکیه بر علم بوده است. بنابراین اگر ما بخواهیم از دیدگاه مقام معظم رهبری به توسعه برسیم باید تاکید و تکیه کنیم بر داشته‌های خودمان در درون کشور چه نیروی انسانی و چه منابع و فقط همین مسئله است که باعث می‌شود بسیاری از مشکلات مان حل شود و بتوانیم حرف برای گفتن و دفاع از خود در برابر نظام تهاجمی نظام سلطه داشته باشیم.

منابع:

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۸)، اندیشه ترقی در حکومت قانون (عصر سپهسالار)، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آهنگران، محمد رسول (۱۳۸۷)، نقد اصلاحات اقتصادی رضاخان با رویکرد توسعه در مراکز نظامی و انتظامی و بررسی نتایج آن، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۴، تابستان، شماره ۱۳، صفحه ۱۱ تا ۲۶.
- حائری، عبدالکریم (۱۳۹۴)، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، موسسه انتشارات امیر کبیر، خرداد چاپ ششم.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، قدرت، گفتمان و زبان‌سازوکارهای قدرت در ج.ا.ا، تهران: نشر نی.

- سریع القلم، محمود(۱۳۹۲)، ابعاد خلقی توسعه نیافتگی ایران، فصل نامه مطالعات بین المللی. بر گرفته از سایت دکتر سریع القلم به آدرس [www. Sariolghalam.com](http://www.Sariolghalam.com). سریع القلم، محمود. ریشه‌های تاریخی توسعه یافتگی، مصاحبه با مجله مهر نامه، بر گرفته از سایت دکتر سریع القلم به آدرس www. Sariolghalam.com.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی (۸۳/۳/۲۷).
- بیانات مقام معظم رهبری در نخستین اندیشه‌های راهبردی (۸۸/۹/۱۰).
- بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) (۸۰/۳/۱۴).
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسوولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی (۸۲/۵/۱۵).
- بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور (۸۸/۸/۶).
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان کردستان(۸۸/۲/۲۷).
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع زوار امام رضا (ع) (۹۴/۱/۱).
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع جوانان بجنورد (۹۱/۷/۲۳).